

آخ اگه بارون بزنه!

و کاری نکند.

در رابطه با عصر مدرن تعبیر و تمثیلی وجود دارد از این قرار که با ظهور مدرنیته، آسمان چشم از آسمان برگرفت و باتکیه بر عقل خودبنیاد خویش به کشف رازهای جهان و استیلای بر طبیعت کوشید. تجربه‌ی انسان مدرن اما تجربه‌ی هولناک از آب درآمد. بهبود شرایط زندگی بشر در کوتاهمدت، بحران‌هایی تازه را پدید آورد. از استعمار و غارت منابع گرفته تا تخریب محیط زیست و تهدید زیست‌کره. جنگلی نتایج مفه‌ور شدن طبیعت در سلطه‌ی آدمی است که اکنون به قهر طبیعت و شورش برعلیه انسان تبدیل شده است.

ره‌آورد مدرنیته برای جوامع پیرامونی و عقب‌افتاده‌های همچون ما، متأسفانه بدیختی مضاعف است؛ از اینجا رانده و از آنجا مانده، نه راه پس داریم و نه راه پیش. تغییرات اقلیمی کشور کربان ما را بیش از پیش با خشکسالی هم‌آغوش کرده‌است. برای حل بحران‌های‌مان هم گرفتار نوعی واپس‌گرایی پیشامدرن شده‌ایم که به جای حل مسئله آن را بغیرنظر می‌کند.



در چنین استیصالی؛ به تنگ آمده از خویش و همسایه، تنها امیدمان آسمان است. آسمانی که باید بر سیه‌کاری و تبت‌کاری و ندانم‌کاری ما چشم ببوشد و بر صفیران و ضعیفان رحم آورد و بر جای بدکاری ما، میندی شکواری کند.

این سبب المتصل بل الارض والسما؟

■ رضا مسلمی‌زاده



چندین سال پیش که انتقال آب شهر سیرجان به منطقه گل‌گهر بخت داغ رسانه‌ها و مردم بود و زور دولتی‌ها چندان می‌چربید که خبر مرگ کارگری در زمان حفر کانال به عنوان یک موضوع امنیتی با دخالت نهاد مربوطه از خبرها حذف می‌شد. در یادداشتی در همین نشریه پاسارگاد نوشتیم که از منظر آینده‌پژوهشی؛ «آب» موضوع نزاع آینده‌ی جهان است. آن آینده بسیار زودتر از تصویری که می‌رفت فرارسیده است و اکنون خشکسالی و سوءاستفاده از منابع آبی اعم از جاری و زیرزمینی، موضوع «آب» را به یکی از ابربحران‌های ایران مرکزی تبدیل کرده‌است. متأسفانه درگیری هم‌زمان کشور در چندین ابربحران ناهمسو وضعیت را هر روز بغریخ‌تر از روز پیش می‌کند؛ از یک سو آب بسیار کم است و نیازمند به‌کارگیری روش‌های مدرن کشاورزی و از سوی دیگر چنین تصمیمی باعث می‌شود نیازی به تعداد افراد دخیل در کشاورزی کاهش یابد و عده‌ای که اکنون از طریق کشاورزی و کاردر مزارع و باغات‌شان می‌خورند، کاهش یابد و مازاد این نیرو به خیل بیکاری بی‌بوسه و بی‌کار شده‌اند و با اصلا تاکنون فرصتی برای ورود به بازار کار پیدا نکرده‌اند. انتخاب بین «بی‌آبی» و «بی‌کاری» کاری نیست که پس آن برپایند. ما سال‌هاست که مستأجران بنایی کلنگی هستیم و هر سال، بنا به ضرورت، مشتی گچ و سیمان به درو دیوار و ترک‌های زمین و نقش ایوان را مرمت می‌کنیم و پای‌ست را از محاسبات و مناسبات خود خارج می‌کنیم، باشد که از خزانه غیب درمانی پیدا شود و مردی از خویش برون آید

می‌شود نیازی به تعداد افراد دخیل در کشاورزی کاهش یابد و عده‌ای که اکنون از طریق کشاورزی و کاردر مزارع و باغات‌شان می‌خورند، کاهش یابد و مازاد این نیرو به خیل بیکاری بی‌بوسه و بی‌کار شده‌اند و با اصلا تاکنون فرصتی برای ورود به بازار کار پیدا نکرده‌اند. انتخاب بین «بی‌آبی» و «بی‌کاری» کاری نیست که پس آن برپایند. ما سال‌هاست که مستأجران بنایی کلنگی هستیم و هر سال، بنا به ضرورت، مشتی گچ و سیمان به درو دیوار و ترک‌های زمین و نقش ایوان را مرمت می‌کنیم و پای‌ست را از محاسبات و مناسبات خود خارج می‌کنیم، باشد که از خزانه غیب درمانی پیدا شود و مردی از خویش برون آید

عاملان‌های صورت می‌گیرد که پیروزی‌های‌شان را در عصرهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ورزشی، هنری، علمی، اقتصادی و کسب و کار کم‌ارزش جلوه بدهند و در نتیجه زلن موفق دلسرد بشوند و دست بکشند تا شاید نظام مدرسالرا حفظ‌شود.

او ادامه داد: «اعتماد به نفس زلن را نشانه رفتم‌اند. آن قدر که بسیاری از زلن عزت‌نفسی برایشان باقی نمانده و خودشان بازنشرکنندگی محتوایی هستند که موفقیت زلن دیگر را دست می‌اندازد و مسخره می‌کند. وی در مورد دلیل تمسخر زلن از همدیگر، گفت: «چون زلن برادر انسان فارغ از جنسیتش را باور نکرده‌اند. پس خودش و هم نوع خودش را دست می‌اندازد و جدی نمی‌گیرد.» او معتقد است اگر زلن می‌خواند این نابو شکسته شود. تنها واکنش‌شان باید مقابله کردن باشد: «مقابله‌بمثل منظر من نیست. اینکه در برابر این تضعیف روحیه مقابله کنیم. ناامید نشویم. واکنش‌شان بدینم، محترمانه نخواهیم این ابتدال و لوذگی را بازنشر نکنند.» عباسلو تاکید کرد: «قرن‌ها به زلن فرصت برابر داده نشده که موفقیتی به دست بیاورند. بنابراین خود ما خانم‌ها هم در داشتن عزت‌نفس می‌انگیم. چون سال‌ها حقارت و ناگامی را تجربه کردیم. باید سال‌ها آگاهسازی بکنیم، از تلاش در رشتنی خودمان ناامید نشویم و در کنارش برای نهاده‌ی شدن این مسایل اطلاع‌سانی کنیم. او معتقد است: «بخش زیادی ازخشونت کلامی مردان علیه زلن برمی‌گردد به تاریخ نابرابری جنسیتی زلن و مردان. در سال‌های اخیر هم بیشتر شده. چون به برانگیختن حس حسادت می‌تواند ربط داشته‌باشد.»

این کارشناس مطالعات زلن در ادامه گفت: «علت بروز خشونت کلامی عرف رایجی است که بوده. اینکه زلن را به هیچ می‌گرفت‌اند و بستر جامعه‌ی پرانگیز دامن می‌زند به آن. بحث توهمین و تحقیر و لذا خود این جنس دوم بودن زن و کلیشه‌اش را دوباره بازتولید می‌کند. چون بازتولید می‌شوند و همین‌مسخره‌کردن موفقیت‌های‌هم‌موفقیت‌نابرابر برمی‌گردد. به‌همین دلیل دربرابر شکستن چارچوب آن نابرابری مقاومت می‌شود. این واکنش جامعه‌ی مدرسالراست. این کارشناس مطالعات زلن معتقد است که می‌خوانند زلن موفق را دلسرد کنند و تلاش



نیش و کتابه به دختران و زنان موفق سیرجانی در فضای مجازی؛

دراز دستی این کوتاه آستینان!

شده، هرگونه حرکت و رفتاری از زن حنا اگر به پیروزی و موفقیت برسد و موجب افتخار باشد، کم‌ارزش دانسته‌شده و کمتر انگاشته می‌شود. بهتر دانستن و برتر دانستن یک جنس، موجب می‌شود که معمولاً موفقیت جنس دیگر را به سخره می‌گیرد. چون تاکنون در هر رشته‌ی فضا بری زن نبوده که ایاز وجود کند. این حضور تاریکی دارد و موفقیت هم تاریگی دارد. جامعه ندیده بوده و لذا خود این جنس دوم بودن زن و کلیشه‌اش را دوباره بازتولید می‌کند. چون بازتولید می‌شوند و همین‌مسخره‌کردن موفقیت‌های‌هم‌موفقیت‌نابرابر برمی‌گردد. به‌همین دلیل دربرابر شکستن چارچوب آن نابرابری مقاومت می‌شود. این واکنش جامعه‌ی مدرسالراست. این کارشناس مطالعات زلن معتقد است که می‌خوانند زلن موفق را دلسرد کنند و تلاش

حالی که با ناز و عشوهِ حرف می‌زنند، در نقش یک دختر کم‌عقل و فاقد شعور حاضر می‌شوند؛ نگرانی فاطمه این است که فرزندش با تکرار این فیلم‌های کوتاه کم‌کم این باور درنهنش شکل بگیرد که یک دختر همیشه دست و پا چلفتی‌ست و هیچ وقت نمی‌تواند کار را درست انجام دهد.

■ پیمان‌دهی فرهنگی که زنان را کمتر از مردان می‌بیند

طبیعه‌عاسلو دانش آموخته و پژوهشگر حوزه‌ی مطالعات زنان است. او در پاسخ به این سوال که چرا هر پستی که با موضوع زنان در فضای مجازی منتشر می‌شود، چه موضوع آن طنز باشد و چه جدی توسط تعداد زیادی از کاربران به سمت لودگی و ابتذال می‌رود؟ حتی اگر آن سوز درباری موفقیت و افتخار آفرینی یک زن یا یک تیم ورزشی باشد، گفت: از آنجایی که در جامعه ارزش‌جویی زن کمتر دیده

مانند یک جنگ نابرابر است.» مریم که چند سالی را در یکی از رسانه‌های خبری کار کرده، نیز می‌گوید: خبرنگار بودن برایش مضاف بر بودن، بوده و همین امر در بسیاری از موارد عرصه را برایش تنگ کرده است. اینکه شیوه‌ی نگارش مطالب و خبرهایی را که بست کرده مورد تمسخر قرار گرفته و اصل مطلب به حاشیه رفته است.

■ نگرانی برای از بین رفتن اعتماد به نفس دختران در فضای مجازی

پدرمادرهای نینژون از تبعات حضور دختران‌شان در فضای مجازی هستند. فاطمه مادری‌ست که می‌گوید از اینکه دخترش در فضای مجازی تحت تاثیر کلیپ‌هایی - که عموماً علیه زنان ساخته‌شده - قرار بگیرد، دلواپس است. فاطمه می‌گوید: «پارها و در سیرایی از پیج‌ها دیده برای اینکه مخاطب جذب کنند. چند مرد روسری سوشان می‌کنند و بعد در

دختران نیم فوتبال شهرداری سیرجان طی روزهای گذشته مایه‌ی ملبهات بودند و حتا در یک گزارش عربی، گزارشگر نحوه‌ی گل زدن افسانه جتزون را به گل‌های افراد شهرویی چون لیونل مسی و دیوید بکهام شبیه دانست و با صدای بلند و هیجان خاص عربی اعلام کرد: «ان پوینسوینا نباید نوشتن این رویوداد را فراموش کنند» با تمام این اوصاف، اظهار نظرها برخی کاربران اینستاگرامی برای دختران سیرجان جملاتی زن‌ستیز بود. جملاتی از قبیل «این‌ها زن زندگی به حساب نمیان»، «حرکاتشون مردونه‌ست»، «چه‌جا بیاین شوتبال دحمل‌ها...»

دلیرکت بسیاری از دختران در فضای مجازی پر است از احوالپرسی‌های بی‌هدف و جملات بی‌مزه‌بیرای به اصطلاح مزخ‌زدن و گفت‌وگوهایی که گاهی با اصرار و تکیه بکلام هاره‌است و با بلاک و حذف روبرو می‌شود. سمانه می‌گوید: «من هر زمان وارد یک پیج عمومی و برانزاید شدم و زیر یک پست جدی نظیر رو نوشتم تا چند روز با جواب‌هایی که اغلب باتمسخر و تحقیر روبرو‌وست، مواجه شدم.» او معتقد است گشت و گذار در شبکه‌های اجتماعی مثل اینستاگرام و اظهار نظر کردن برایش با تنهایی چند زن در کوچه‌وخیابان فرقی ندارد. همانقدر احساس ناامنی می‌کند و به‌همان اندازه با انواع

و اقسام متلک‌ها روبرو می‌شود. او می‌پرسم آیا تا به حال شده که بابت چنین اتفاقاتی تصمیم گرفته باشد که قید شبکه‌های اجتماعی را بزند؟ «اولی که اینستاگرام را نصب کردم انگار احساس تکلیف می‌کردم که درباره هر موضوعی اظهار نظر بکنم و کامنت بگذارم. بعد از اینکه متوجه شدم چون زن هستم و نظر دادم باید سوزی برخی از کاربران شوم و تا مدت‌ها ذهنم درگیر تصد. تصمیم گرفتم اینستاگرام را پاک کنم. زیرا بعد از هر اظهار وجود، مورد هجمه‌ی آرا‌جیف قرار می‌گرفتم و بعد از سنم پایین بودن اعتماد به نفسم کم شده بود. بعد از گذشت چند ماه و پس از اینکه متوجه شدم که این چالش، دغدغه‌ی مشترک دوستان همسن و سالم است، تصمیم گرفتم که صحنه‌ا ترک نکنم و از حق و حقوق خودم در استفاده از فضای مجازی بهره ببرم. حذف نکردم اما عل‌مان بودن در فضای مجازی

■ **در دوره‌ای که شهردار بودید چقدر حقوق گرفتید؟**
قبل از انقلاب ماهی ۱۱ هزار تومان. و بعد از انقلاب هم همین ۱۱ هزار تومان.

■ **زمانی شما شهردار بودید برای خودتان حق ماموریت اضافه‌دمی کردید؟**
انجمن شهر تصویب کرده بود که شهردار حداکثر می‌تواند دو ماه در سال ماموریت بگیرد. حالا اگر ما ۱۰ روز ماموریت می‌رفتیم پول همین دو ماه‌های ما می‌گرفتیم. اگر هم ۶ ماه می‌رفتیم همین مقدار ما می‌گرفتیم.

■ **در آن دوره هم مثل امروز مساله تغییر کاربری‌ها رایج بود؟**
اصلاً. آن زمان زمین انقدر بود که این کارها را نمی‌کردند.

■ **شما هیچ وقت برای خودتان و کارمندانان حق اضافه‌کار بیشتر دمی کردید؟**
اصلاً من خیلی قانونی بودم.

■ **بعضی از کارمندانان می‌گویند آقای نشاط خیلی آدم تلخی بوده‌است؟**
بله. هر روز با یک روز در میان قبل از حضور در شهرداری این کار را انجام می‌دادم. حالا خیلی‌ها فکر می‌کنند که شهردار باید برود پشت میز بنشیند و جواب دهد، بدترین حالت همین است که شهردار جواب‌گو می‌شود. همه‌ها باید شهردار باید مدیریت کند. بگوید آقای فلائی شما وظیفه‌تان این است و اگر وظیفه‌تان را انجام نده‌اید بکه او را بگیرد. نه اینکه برود خودش آن کار را انجام دهد. مثلاً بگوید شما که مسئول فضای سبز هستید، دیدش که من رد شدم پارک لاله خاموش بود. ۶ تا از چراغ‌ها شکسته بود شما اطلاع

شهردی به کارمندانش بگوید در فلان خیابان آسفالتش مشکل دارد، رفتگر فلان خیابان نیامده. فلان جدول خیابان شکسته است...
■ **فکر می‌کنید الان که شهر بزرگ شده شهردار بتواند این کار را انجام دهد؟**
حالا هر روز نمی‌تواند هفته‌ای یکبار را که می‌تواند سر بزند، یعنی می‌تواند شهر را به ۷ قسمت تقسیم کند و هر روز یک قسمت را بازدید کند. خیابان طالقانی با انقلاب موازی است شهردار می‌تواند از کوچه‌های خیابان طالقانی بایلد توی انقلاب در هر خیابانی وسط بایستد و دو طرفش را نگاه کند همه چیز را می‌بیند و خیلی هم کاری ندارد.
■ **شما این کار را انجام می‌دادید؟**
بله. هر روز با یک روز در میان قبل از حضور در شهرداری این کار را انجام می‌دادم. حالا خیلی‌ها فکر می‌کنند که شهردار باید برود پشت میز بنشیند و جواب دهد، بدترین حالت همین است که شهردار جواب‌گو می‌شود. همه‌ها باید شهردار باید مدیریت کند. بگوید آقای فلائی شما وظیفه‌تان این است و اگر وظیفه‌تان را انجام نده‌اید بکه او را بگیرد. نه اینکه برود خودش آن کار را انجام دهد. مثلاً بگوید شما که مسئول فضای سبز هستید، دیدش که من رد شدم پارک لاله خاموش بود. ۶ تا از چراغ‌ها شکسته بود شما اطلاع

داش. این‌ها را گذاشتم و رفتم.
■ **یک‌بار از شهرداری استعفا داده بودید و باران زیادی آمد و رفتید کجاست؟**
بله. زمانی از شهرداری بیرون آمده بودم زمستان‌ها می‌رفتم کمک شهرداری. همان سال اولی که بیرون آمده بودم زمستان خیلی باران آمد. لباس‌هایم را پوشیدم که بروم قانم گفت کجا می‌روی؟ گفتم می‌روم تو شهرداری، گفت تو که دیگری در شهرداری نیستی؟ گفتم طوری نیست می‌روم کمک‌شان می‌دهم. شب رفتم پیش آن‌ها ماندم و راهنمایی‌شان کردم تا دو سه سال پیش هم‌اگر کارمندان شهرداری راهنمایی‌می‌خواستند کمک‌شان می‌کردم. مثلاً اگر نامه‌ای را گم می‌کردند از من کمک‌می‌خواستند من به‌شان می‌گفتم برود فلان جا، تو آرشیاو فلان بگرد پیدا می‌کنتی.

■ **پس حفاظت‌تان هم خوب است؟**
بله حفاظت خیلی خوب است. زمان قدیم می‌گفتند هرکس شهردار شود نفهم است و هرکس دوبار شهردار شود خیلی نفهم است.

■ **چرا؟**
چون شهرداری کار بسیار دشواری است. اگر شهرداری را اول کنند می‌شود همین‌که الان شده؛ اگر هم بخواهند سفت بگیرند، ۲۰ ساعت کاری می‌خواهد، کی حاضر است ۲۰ ساعت کار کند؟ چه کسی حاضر است صبح قبل از ساعت اداری همه شهردار روز زده باشد و همه مشکلات را دیده باشد. بعد هم نباید در



علی اکبر نشاط

۵۴ آقای سعیدی بلوار دکتر صادقی راساخت.

■ در دوره قبل از انقلاب به جز آقای نیکو ملکی چه شهردارانی بودند؟

آقای سعیدی، بعد از آقای سعیدی هم از سال ۵۵ تا ۵۷ من شهردار بودم.
■ **مهم‌ترین ویژگی دوره شهرداری آقای سعیدی چه بود؟**
مهم ترین ویژگی دوره آقای سعیدی فضای سبز، ساخت خیابان‌های شمالی جنوبی و شرقی غربی که شامل: بلوار دکتر صادقی و نصیری، بهشت زهرا و پارک ۱۷ شهپور.

■ بعد از انقلاب به اتفاقاتی در شهرداری افتاد؟

بعد از انقلاب آم‌های ناواری شهردار شدند و خیلی کارها به رکود رفت.
■ **اولین شهردار بعد از انقلاب چه کسی بود؟**
آقای ورعی ۶-۲۰ ماه شهردار بود، بعد از آن ووتوقی و بعد از آن بار بنده به مدت یکسال شهردار بودم. بعد از من آقای دارایی، محمدی، نظری، کامیاب شهردار شدند.

■ بیشترین طول دوره شهرداری متعلق به چه کسی است؟

بیشترین، مربوط به زمان آقای کامیاب است، فکر کنم ۴ سال شهردار بودند، همه شهرداران کمتر از ۴ سال بودند.
■ **یکی از کارهایی که آقای کامیاب در دوره شهرداری‌اش انجام داد این بود بخشی از درختانی که توسط آقای سعیدی کاشته شده بود را قطع کرد و شهرداری‌ها ساخته شد؟**
خب شهرداری باید در وسط شهر باشد، خیلی هم درخت قطع نشد اگر اینجا ساخته بودند جای دیگری امکانش نبود. در نقشی جامع شهر هم همین‌جا شهرداری بود. خیلی دنبال این زمین بودند.

■ آیا خاطراتی از شهرداری‌ها دارید از اینکه کاری نکرده باشید و مقابل مسئولان ارشد ایستاده باشید؟

قبل از انقلاب که شهردار بودم فکر نکردم آند پیشم و گفتن من چند تا عکس بیلبوردی از شاه‌دارم اینها را از من بخرد، گفتم نمی‌خوم. رفت استانداری و از من شکایت کرد. استاندار گفت چرا عکس‌ها را از خریدی شما سبابت کردید، گفتم من جسارت نکردم فقط گفتم من از تو عکس نمی‌خوم. هیچ کاری هم با من نکردند. خاطراتی دیگر اینکه در جلسه‌ای استاندار به من گفت شما ۱۰ شاهی به پیسی اضافه کردید؟ گفتم من چنین کاری نکردم، گفت نماینده پیسی آمده پیشم و گفته شهردار سیرجان گفته من حاضریم ۱۰ شاهی به‌هر شیوه‌ی پیسی اضافه کنیم، گفتم من من چنین حرفی نزنم. در همان جلسه استاندار نماینده پیسی را صدایی زد و به خاطر دروغی که گفته بود مواذناش کرد و از من تشکر کرد

■ زهرا خواجویی نژاد

«انقدر خسته است که چند دقیقه به یاد آوردن وقایع دهه‌های پیش، انگار کوهی را به شانه‌هایش می‌گذارد. کم حرف است و فقط به سوالی که می‌پرسم مختصر جواب می‌دهد. سال‌های زیادی می‌گذرد. سال‌هایی که زیاد هم دوست‌شان ندارد. دیگر شهردار نیست اما هنوز نسبت به شهرداری تعصب دارد. نام‌علی اکبر نشاط، با شهرداری سیرجان گره خورده است و برای نسل دیروز یادآور یک نوستالژی شیرین است.» گفت‌وگو با علی اکبر نشاط سال ۹۴ برای ویژه‌نامه نوری پاسارگاد انجام شد. حالا که او از میان ما رفته است دوست داشتیم به پاس تمام زحماتی که برای سیرجان کشیده است بار دیگر قسمتی از گفت‌وگویش را بازنشر دهیم. امید است روح‌اش در آرامش ابدی باشد.

■ مردم سیرجان شما را بااد و چه مردمی شناسند؛ مدیرعامل شرکت تعاونی تولیدکنندگان پیسته و شهرداری. شما از کجا شروع کردید؟

سال ۴۷ در تهران بیکار بودم و دنبال کاری می‌گشتم. یک روز در روزنامه آگهی‌ای از وزارت کشور دیدم که اعلام کرده بود کارمند شهرداری می‌گیرد. رفتم امتحان دادم و قبول شدم. یک دوره شش ماهه برایمان گذاشتند. آن زمان مدرک تحصیلی من دیپلم ریاضی بود. بعد از آن گفتند یکی از شهرداری‌های کشور را انتخاب کنید، ابتدا یک مدتی رفتم شهرداری مشهد، بعد شهرداری سردشت و بعد هم آمدم شهرداری سیرجان. از سال ۴۸ به عنوان کارمند وارد شهرداری سیرجان شدم. سال ۵۲ معاون شهردار شدم و خدمت در شهرداری تا سال ۵۶ ادامه داشت یعنی ۲۰ سال در شهرداری خدمت کردم. ۱۳ سال در زمان رژیم گذشته و ۱۷ سال هم در این رژیم.

■ وقتی وارد شهرداری شدید، شهرداری در چه وضعیتی بود؟

زمانی وارد شهرداری شدم آقای «نیکو ملکی» شهردار بود. حدود ۳ نفر کارمند داشت. حدود ۲۰ نفر هم کارگر. سالی که از شهرداری بیرون آمدم حدود ۱۰۰ نفر کارمند و ۴۰۰ نفر هم کارگر داشت.

■ آن زمان‌ها وضعیت شهرسازی به چه صورت بود؟

سال ۴۸ سیرجان، ۱۶ خیابان داشت. ۱۲ تا آسفالت بود و بقیه خاکی بودند. ظرف ۱۰ سال اول تعداد خیابان‌ها را ۱۶ از خیابان به ۸۰ خیابان رسید و از این ۸۰ خیابان حداقل ۵۰ خیابان آسفالت شد و خیلی از کوچه‌ها هم آسفالت شدند.

■ آقای نیکو ملکی چندمین شهردار سیرجان بود؟

دویم یا سیمینست.

■ اولین شهردار سیرجان که بود؟

آقای جابری اولین شهردار سیرجان بود. او هم شهردار بود و هم حاکم وقت.

■ یکی از چیزهایی که در مورد آقای جابری گفته می‌شود اینکه آقای جابری خدمات زیادی به سیرجان ارائه داده است؟

جابری اولین کسی بود که نرخ‌ها را کنترل کرد؛ ساختمان قدیم شهرداری را جابری ساخت. خیابان امام را او ساخت. میخ حالی بلوار دکتر صادقی در زمان او کار گذاشته شد. البته موفق نشد بلوار را بسازد و سال

دارید یا ندارند. در شهرداری اول صحت و سلامت و بعد سرعت مهم است. سال ۵۴ خیلی باران آمد. به طوری که ظرف ۸ شبانه‌روز ۴۱۰ میلیمتر باران آمد. همه جا پر از آب بود. ما یکی دو جا، جاده را شکافیم. اعنا هم نکرديم که جاده عمومی است، آب زد شد و رفت و سه روز بعد هم درشتش کردیم. شهرداری شهرابک هم به همین درد ما دچار شد، آن‌ها چون نمی‌دانستند چکار کنند آن زمان باران جاده را خراب کرد و ۳۰-۴۰ خانه را از بین برد که حتی ۱۵۰۰ روز ما لوخرو بولدوز برایشان فرستادیم.
■ **بودجه شهرداری قبل از انقلاب چقدر بود؟**
بودجه سال ۵۸، ۲۶ میلیون تومان بود.
■ **بعد از انقلاب چه؟**
همان ۲۸ میلیون تومان.
■ **عمده‌رد آمدن‌تان از کجا بود؟**
عمده درآمدتان از طریق عوارض‌های مردم و وزارت کشور بود.
■ **این بودجه کفاف تمام فعالیت‌های شهرداری را می‌داد؟**
بله. پروژه‌ها را طبق همان برنامه‌ای که بسته‌می‌شد انجام‌می‌دادیم.
■ **در دهه ۶۰ تا ۷۰ شهرداری برنامه سالیانه داشت؟**
بله برنامه سالیانه داشتیم و حتی قبل از انقلاب برنامه ۵ ساله داشتیم. بعد از انقلاب دیگر کم‌رنگ شد.

■ **کدام شهرداری‌ها در این سال‌ها بود؟**
کدام شهرداری‌ها در این سال‌ها بود؟

■ **بیشترین نقد را به سیاست‌های کدام شهردار وارد می‌کنید؟**
یعقوب‌نژاد. تقدم به خراب کردن ساختمان شهرداری است. بهش هم گفتم. من همین الان هم نقدی به هر شهرداری داشته باشم به‌شان می‌گویم. چند روز پیش به آقای قاسمی زنگ زدم گفتم تبریک می‌گویم ولی دوباره می‌گویم هرکس یک‌بار شهردار شد دیوانه است. هر کس دوبار شهردار شود را نمی‌گویم. گفت و او راست می‌گویند.

■ **آقای یعقوب‌نژاد توجیه‌اش برای خراب کردن ساختمان شهرداری چه بود؟**
میگفت می‌خواهد ساختمان خوبی بسازد، اما می‌توانست جای دیگری بسازد. زمین که بسیار بود. نه اینکه ساختمان‌های خوبی بسازد شهردار خراب کند.

شهردی به کارمندانش بگوید در فلان خیابان آسفالتش مشکل دارد، رفتگر فلان خیابان نیامده. فلان جدول خیابان شکسته است...
■ **فکر می‌کنید الان که شهر بزرگ شده شهردار بتواند این کار را انجام دهد؟**
حالا هر روز نمی‌تواند هفته‌ای یکبار را که می‌تواند سر بزند، یعنی می‌تواند شهر را به ۷ قسمت تقسیم کند و هر روز یک قسمت را بازدید کند. خیابان طالقانی با انقلاب موازی است شهردار می‌تواند از کوچه‌های خیابان طالقانی بایلد توی انقلاب در هر خیابانی وسط بایستد و دو طرفش را نگاه کند همه چیز را می‌بیند و خیلی هم کاری ندارد.
■ **شما این کار را انجام می‌دادید؟**
بله. هر روز با یک روز در میان قبل از حضور در شهرداری این کار را انجام می‌دادم. حالا خیلی‌ها فکر می‌کنند که شهردار باید برود پشت میز بنشیند و جواب دهد، بدترین حالت همین است که شهردار جواب‌گو می‌شود. همه‌ها باید شهردار باید مدیریت کند. بگوید آقای فلائی شما وظیفه‌تان این است و اگر وظیفه‌تان را انجام نده‌اید بکه او را بگیرد. نه اینکه برود خودش آن کار را انجام دهد. مثلاً بگوید شما که مسئول فضای سبز هستید، دیدش که من رد شدم پارک لاله خاموش بود. ۶ تا از چراغ‌ها شکسته بود شما اطلاع

داش. این‌ها را گذاشتم و رفتم.
■ **یک‌بار از شهرداری استعفا داده بودید و باران زیادی آمد و رفتید کجاست؟**
بله. زمانی از شهرداری بیرون آمده بودم زمستان‌ها می‌رفتم کمک شهرداری. همان سال اولی که بیرون آمده بودم زمستان خیلی باران آمد. لباس‌هایم را پوشیدم که بروم قانم گفت کجا می‌روی؟ گفتم می‌روم تو شهرداری، گفت تو که دیگری در شهرداری نیستی؟ گفتم طوری نیست می‌روم کمک‌شان می‌دهم. شب رفتم پیش آن‌ها ماندم و راهنمایی‌شان کردم تا دو سه سال پیش هم‌اگر کارمندان شهرداری راهنمایی‌می‌خواستند کمک‌شان می‌کردم. مثلاً اگر نامه‌ای را گم می‌کردند از من کمک‌می‌خواستند من به‌شان می‌گفتم برود فلان جا، تو آرشیاو فلان بگرد پیدا می‌کنتی.

■ **پس حفاظت‌تان هم خوب است؟**
بله حفاظت خیلی خوب است. زمان قدیم می‌گفتند هرکس شهردار شود نفهم است و هرکس دوبار شهردار شود خیلی نفهم است.

■ **چرا؟**
چون شهرداری کار بسیار دشواری است. اگر شهرداری را اول کنند می‌شود همین‌که الان شده؛ اگر هم بخواهند سفت بگیرند، ۲۰ ساعت کاری می‌خواهد، کی حاضر است ۲۰ ساعت کار کند؟ چه کسی حاضر است صبح قبل از ساعت اداری همه شهردار روز زده باشد و همه مشکلات را دیده باشد. بعد هم نباید در

خیلی قانونی است.
■ **شهرداری سیرجان در ۱۰ سال گذشته با تغییرات بسیاری روبرو بوده است. دوره‌های کوتاه مدت شهرداران و مسایل دیگر، به نظر شما چه دلیلی دارد؟**
علت‌همه‌ی اینها فقط نداشتن قانون بوده است. یکی از این آقایانی که شهردار شده نمی‌توانم بگویم قانون شهرداری را خوانده باشد. اینجا من مدیرعامل قیمت‌گذاری‌ها را شهرداری انجام می‌داد. آب هم زیر نظر شهرداری بود. برق هم تا سال ۴۷ زیر نظر شهرداری بود اما بعد به وزارت نیرو منتقل شد.
■ **بعد از انقلاب از اینکه کسی تخلفی انجام دهد و شما متوجه شده باشید، خاطراتی دارید؟**
یک مقدار اولیایل انقلاب مردم تعهدشان بیشتر بود و از این کارها نمی‌کردند. اما هرچه زمان گذشت بدتر شد، آن زمان‌ها از این کارها نمی‌کردند، چون همه از بدنه و استخدام شهرداری بودند. شما ببینید بعضی عکس‌نمی‌خوم. هیچ کاری هم با من نکردند. خاطراتی دیگر اینکه در جلسه‌ای استاندار به من گفت شما ۱۰ شاهی به پیسی اضافه کردید؟ گفتم من چنین کاری نکردم، گفت نماینده پیسی آمده پیشم و گفته شهردار سیرجان گفته من حاضریم ۱۰ شاهی به‌هر شیوه‌ی پیسی اضافه کنیم، گفتم من من چنین حرفی نزنم. در همان جلسه استاندار نماینده پیسی را صدایی زد و به خاطر دروغی که گفته بود مواذناش کرد و از من تشکر کرد

خیلی به قانون پایبند بودم و همه می‌گفتند نشاط

خیلی به قانون پایبند بودم و همه می‌گفتند نشاط

خیلی به قانون پایبند بودم و همه می‌گفتند نشاط